

چارچوب‌های تفسیر شفافیت، سازوکار تعادل در کنش جمعی (مطالعه موردی): راهبردهای رایج ایران)

فاطمه نوری فرد^۱ دریافت: ۹۸/۱/۱۲

دکتر احمد بخشایشی اردستانی^۲ پذیرش: ۹۸/۴/۲

دکتر علی مرتضویان^۳ دکتر حسین تفضلی^۴

چکیده

شفافیت برای جهت‌دهی تلاش‌های راهبردی و هوشمندانه شهروندان و برای ایجاد درک مشترک است. این درک برای ایجاد کنش جمعی و مشروعیت‌بخشی به آن، ضروری است. همچنین وزن دادن به شفافیت در گروه‌های اجتماعی باعث تقویت جامعه‌پذیری افراد می‌گردد. در واقع پیامد و گستره شفافیت از یک طرف التزام عمل به شفافیت، باعث تقویت غرور و اراده، به واسطه احساس تأثیرگذار بودن می‌شود. که نتیجه آن تقویت انگیزه در عمل جمعی است؛ یعنی هرچه التزام فرد به شفافیت و انتظار شفاف بودن از دیگران تقویت گردد، انگیزه او برای عمل قوی‌تر است. با توجه به اهمیت بحث شفافیت، پژوهش پیشرو با روش تحقیق توصیفی، تحلیلی به دنبال پاسخ این پرسش اصلی می‌باشد که نقش چارچوب‌های تفسیر شفافیت به‌عنوان سازوکار تعادل‌بخش عمل جمعی با توجه به راهبردهای رایج ایران چگونه خواهد

۱ - گروه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ایران.
nourifardfatemeh@gmail.com

۲ - گروه علوم سیاسی، مسائل سیاسی ایران، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ایران، (نویسنده مسئول).
ahmadbakhshi.912@gmail.com

۳ - گروه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ایران.
A.mortazav@yahoo.com

۴ - گروه علوم سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی ایران.
Hos.tafazoli@iauctb.ac.ir

بود؟ در جهت مفهوم‌سازی حیطة موردبررسی، زمانی که جامعه فاقد تعادل کارکردی در ساختارهای سیاسی و اقتصادی می‌شود، شکاف‌های متعددی در ساختار قدرت و جامعه ایجاد می‌گردد که باعث بروز نارضایتی‌های مدنی گردیده و پس‌از آن کنش‌های اجتماعی بسط می‌یابد. در این مرحله زمینه‌های مساعد ساختاری، فشارهای ساختاری و باورهای تعمیم‌یافته برای کنش مهیا می‌شود؛ و شفافیت تلفیقی است از فهم وجود فرصت‌های قابل‌اعتماد برای عمل خودجوش و سروسامان دادن به عمل جمعی. حدود برخی رخدادهای شتاب‌دهنده در عامل زمان، بالفعل شدن توانایی بسیج با مؤلفه‌های خلق فرصت‌های سیاسی و اجتماعی در راستای توسعه مشارکت جمعی کنشگران، و در کنترل اجتماعی، مهار و هدایت کنش‌های جمعی به مسیرهای رؤیت‌پذیر و قابل پیش‌بینی، مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: چارچوب تفسیری، شفافیت، عمل جمعی، راهبردهای رایج، زمینه مساعد ساختاری، عوامل شتاب‌دهنده، باورهای تعمیم‌یافته، فشارهای ساختاری

مقدمه

در شناسایی ماهیت سیاسی و گونه‌شناسی حکومت و دولت در ایران، صاحب‌نظران دیدگاه‌های متفاوت و بحث‌انگیزی از جمله؛ نظریه استبداد شرقی،^۱ دولت‌پاتریمونیال،^۲ دولت‌های مطلقه،^۳ دولت تحصیل‌دار یا رانتیر،^۴ دولت ایدئولوژیک و غیره را مطرح نموده‌اند. باملاحظه تاریخ دولت در ایران و تبیین گونه‌های مذکور، ایران از دهه ۱۳۳۰ به درآمدهای نفتی وابسته بوده و در واقع، به‌جای ایجاد و تقویت نهادهای سیاسی و اجرایی که ظرفیت‌های مدیریتی و توان پاسخگویی مردمی آن را ارتقاء بخشند، بیشتر پاسخگویی الزامات امنیتی داخلی و محیط منطقه‌ای و بین‌المللی گردید. درآمدهای نفتی یکی از عمده‌ترین منابع استقلال دولت، تعمیق شکاف دولت و ملت و گرایش هرچه بیشتر به انسداد سیاسی به شمار می‌رود. دولت به‌واسطه اتکای روزافزون به درآمدهای نفتی به تدریج از بدنه جامعه جدا می‌شود و در همین چارچوب، سهم درآمدهای مالیاتی در بودجه آن کاهش می‌یابد؛ لذا دولت به نمایندگی از جامعه ویژگی پاسخگویی و شفاف‌سازی خود را از دست می‌دهد. یکی از وظایف دولت، استخراج منابع از داخل جامعه و توزیع مجدد آن است که میزان موفقیت در آن ملاکی برای سنجش کارایی آن دولت است که این خود سبب ایجاد اختلال در رویه دموکراتیک و نابرابری اجتماعی در جامعه و عدم پیگیری صحیح سیاست‌ها توسط دولت‌ها می‌شود؛ بنابراین عدم شفافیت به دلیل پاسخگونی نبودن و عدم احساس مسئولیت در قبال جامعه بسترساز بحران‌های احتمالی خواهد گردید.

شفافیت و علنی‌کردن^۵ یکی از اساسی‌ترین اصول دموکراسی و جمهوریت است که مستلزم حق دانستن^۶ است و حق دانستن جزو حقوق اساسی انسان است که در اصل (۱۹) بیانیه حقوق بشر بر آن تأکید شده است و همه کشورها از جمله ایران آن را پذیرفته‌اند. در این حق انسان‌ها اکثراً موجوداتی عقلانی، دارای توانمندی در قضاوت رخدادهای و مجهز به تشخیص مناسب و بجا از صلاح‌دید خود هستند و از همین رو حق دارند از چندوچون تصمیماتی که با سرنوشت آن‌ها ارتباط دارد، مطلع شوند؛ لذا هرگونه رفتار سرپرست مأبانه و پنهانکارانه در نفی

این اصل، مهم است. بازبینی‌های مطرح، چشم‌اندازهای گوناگونی از عمل جمعی و شفافیت دربرداشته است؛ اما هنوز نتوانسته تفسیری نظام‌مند و دقیق از این واژه داشته باشد و اجماع بر سر یک تعریف سرآمد و متمایز، در نتایج وجود ندارد. در نگاه اول، به‌ندرت حقیقت رویدادها و رخدادها روابط اجتماعی آشکار می‌گردد. این فهم متأثر از حقیقت ناسازگار حیات مدنی است؛ اما درنهایت زمینه فهمی فراهم می‌گردد که درمی‌یابیم، در عمل جمعی، پایبندی به اصول، مسئولیت‌پذیری، پاسخ‌دهی، باورپذیری و اعتماد، اهمیت خاصی دارد و شفافیت می‌تواند تأثیر مستقیم بر روی این مشخصه‌های عمل جمعی داشته باشد. همین‌طور با توسعه این شاخص‌ها در یک فرایند بازخوردی، بازتولید می‌شود؛ لذا در متن حاضر به دنبال تبیین نقش، جایگاه و اهمیت شفافیت در عمل جمعی و مشخص نمودن چرخه بازتولید آن، با تأکید برمتغیر شفافیت هستیم؛ و ساختار این پژوهش را با این سؤال طرح خواهیم کرد که نقش چارچوب‌های تفسیر شفافیت به‌عنوان سازوکار تسهیل‌کننده و تعادل‌بخش عمل جمعی با توجه به راهبردهای رایج ایران چگونه خواهد بود؟

برای رسیدن به پاسخ پرسش مذکور، تکیه‌گاه نظری ما بر مبنای تئوری رفتار جمعی نیل اسملسر سوار گردیده است. فرض او این بود که چون جوامع به تعادل گرایش دارند، کنش جمعی جنبش‌های اجتماعی را می‌توان یک سازوکار طبیعی در واکنش به محدودیت‌های ساختاری یا تغییر در جامعه دانست. در تحلیل داده‌ها با بهره‌گیری از عوامل تعیین‌کننده شش‌گانه عمل جمعی به تبیین مسئله پرداخته‌ایم که عبارت بود از زمینه مساعد ساختاری، فشارهای ساختاری، شتاب‌دهنده‌ها، باورهای تعمیم‌یافته، بسیج نیروها و کنترل اجتماعی.

۱. چارچوب‌های تفسیر شفافیت

تحلیل چارچوب^۷ از پیشروی کار جامعه‌شناس آمریکایی اروین گافمن و انسان‌شناس اجتماعی انگلیسی گرگوری بیتسون (۱۹۷۳) سرچشمه می‌گیرد. چارچوب شیوه‌هایی را مطالعه می‌کند که طی آن‌ها معنا از طریق ترکیب مشاهده، مقولات شناختی تثبیت‌شده و تجربه زیسته افراد به

رویدادها نسبت داده می‌شود. چارچوب یک ابزار معنا دهی است که به مشاهده‌گر امکان می‌دهد به تعاملات اجتماعی، رویدادها و فرآیندها معنا دهد. (چسترز و ولش، ۱۳۹۴: ۱۰۹) گافمن در کتاب «تحلیل چارچوب» می‌نویسد، «طرح‌واره‌ای تفسیری» که به افراد امکان می‌دهد تا رویدادهای فضای زندگی و درکل جهان خود را پیدا کنند، درک کنند، تشخیص دهند و به آن‌ها نامی اختصاص دهند. او در ادامه اظهار می‌دارد که ما از «چارچوب‌های» معدودی برای مشخص کردن درک خود به‌عنوان مشاهده‌گر چستی هر کنش و شکل‌دهی خود به‌عنوان یکی از طرفین دست‌اندرکار کنش، استفاده می‌کنیم. (استونز، ۱۳۷۹: ۲۴۲)

چارچوب به باورگافمن عبارت از مجموعه طرح‌های تفسیری است که با علامت‌گذاری گزینشی و رمزگذاری اشیاء وضعیت‌ها، رویدادها، تجربیات و توالی کنش‌ها در محدوده محیط حال و گذشته افراد، محیط اطراف را ساده‌سازی و تلخیص می‌کند و تصویری فشرده از آن عرضه می‌نماید. چارچوب‌ها قادرند تا عناصر معنادار یا بی‌معنی را معرفی کنند و زمینه‌های درک حوادثی را فراهم نمایند (۲۲-۲۱، ۱۹۷۴، Goffman). این چارچوب‌ها دارای ویژگی‌هایی هستند که اسنو و بنفورد آن‌ها را «ویژگی‌های آسیب‌شناسانه»^۸ (نسبت دادن تقصیرات به افراد، گروه‌ها یا ساختارهای اجتماعی) و «ویژگی‌های پیش‌گویانه»^۹ (خبر دادن از اینکه چگونه یک مشکل را می‌توان برطرف نمود) می‌نامند. بالاخره اینکه آن‌ها مجموعه‌ای از وقایع، مشاهدات و تجربیات را به‌منظور اهداف بسیج در «بسته‌های»^{۱۰} معنادار «علامت‌گذاری»^{۱۱} می‌نمایند. چارچوب‌های اصلی، مانند چارچوب‌های کنش جمعی، شیوه‌هایی برای تفکیک و گزینش، نسبت‌دهی، علامت‌گذاری و تمایز گذاری اوضاع و رویدادهای اجتماعی هستند؛ اما آن‌ها عام‌تر و کمتر مبتنی بر یک زمینه اجتماعی خاص می‌باشند. (نش، ۱۳۸۲: ۱۵۶)

در رویکرد تفسیری، واقعیت اجتماعی از انسان‌هایی تشکیل شده که در جریان تعامل اجتماعی روزانه خود مدام در حال خلق معانی و تفسیرهایی از وضعیت خویش هستند. (Neuman, ۲۰۰۰، ۷۲) تفسیرمبنا را بر آن می‌گذارد که رفتار انسان‌ها را باید به‌گونه‌ای متفاوت از سایر موضوعات موردعلاقه علم درک کرد؛ زیرا آنان از هر عملی قصد و نیتی را دنبال

می‌کنند، دستخوش احساسات و عواطف می‌شوند، با طرح و نقشه عمل می‌کنند و آن را در صورت لزوم تغییر می‌دهند و برپایه تفسیری که از هنجارها و ارزش‌های جامعه دارند عمل می‌کنند. انسان‌ها قدرت فهم یکدیگر را دارند، زیرا نشانه‌هایی از وجود خود را در دیگری می‌بینند. فهمیدن این نشانه‌ها به معنای فهمیدن انسان است. در رویکرد تفسیری عمل انسان معنای خود را در مضمون اجتماعی ویژه‌ای می‌یابد که در آن، گروهی از مردم به خلق مشترک معنی مشغول‌اند. (سید امامی، ۱۳۹۱: ۶۲) مدعای اصلی علم‌الاجتماع تفسیری همین است که برای درک بهتر رفتار فردی و جمعی، داشتن شناخت بیشتری از فاعلیت لازم است. هدف تفسیر، فهم‌پذیر ساختن فعل و رفتار است، یعنی روشن کردن معنای آن عمل در نظامی از نهادها و تصویرهای معنی‌دار فرهنگی. می‌توان گفت که نهادها و رفتارهای انسانی چنان‌اند که ذاتاً متقوم به نحوه درک کسانی هستند که در آن‌ها مشارکت دارند. (لیتل، ۱۳۷۳: ۱۱۶)

در این چارچوب تعریف لغوی و مفهومی شفافیت ارائه می‌گردد. شفافیت، استعاره‌ای از یک کاربرد نسبتاً جدید است که طی دهه ۱۹۹۰ پدیداری چشمگیر داشته است. «شفافیت» معادل پذیرفته‌شده برای اصطلاح "Transparency" است، که در مورد ریشه لغوی آن اختلاف نظر وجود دارد. برخی معتقدند این واژه از حرف اضافه «Trans» به معنای «حرکت» و «جنبش» و "Parent" به مفهوم قابل مشاهده ترکیب یافته است. (Richard, ۲۰۰۴: ۳) عده‌ای دیگر بر آن هستند که این واژه از تألیف دو ریشه لاتین "Trans" به معنای «از طریق» و «از میان» و "Parere" به مفهوم «نمایان شدن» و «نشان داده شدن جهت نظاره» اشتقاق یافته است (Karl, ۲۰۰۴: ۶۴). در اصطلاح، استعمال شفافیت در مورد اطلاعات، داده‌ها و رویه‌ها به معنای «آشکار بودن» و «در دسترس بودن» جهت بررسی و نظارت بر آن‌ها است.

(schram, ۲۰۱۱: ۱۳۴۳) این واژه مصدر اسمی شفاف بوده، شفاف در لغت به هر چیز لطیف و نازک گفته می‌شود که از پشت آن اشیاء دیگر نمایان باشد؛ مانند بلور و شیشه (عمید، ۱۳۸۳: ۷۹۷) و جمع آن «شفوف» (قیومی، ۱۴۱۸ق: ۱۶۶) است. با توجه به همین تعابیر، شفاف را می‌توان به نازکی، درخشندگی و تابناکی (معین، ۱۳۸۶: ۶۲۰) تعبیر کرد. لیندستد و نورین

می‌گویند: «مفهوم شفافیت بر قابلیت دسترسی به اطلاعات دلالت دارد، از لحاظ لغوی، شفافیت به معنای امکان نگاه کردن به درون یک چیز است، به منظور فهمیدن آنچه در آن می‌گذرد. یک مؤسسه شفاف، مؤسسه‌ای است که افراد درون و بیرون آن بتوانند به منظور شکل دادن به نظراتشان، در مورد اقدامات و فرآیندهای درون آن مؤسسه، اطلاعات مورد نیازشان را به دست آورند. (Lindstedt&Naurin, ۲۰۰۷, ۶)

سازمان تجارت جهانی "WTO" شفافیت را اطمینان از دسترسی به اطلاعات تعریف می‌کند که مستلزم سه عنصر اصلی است. عنصر اول دسترسی عمومی به اطلاعات قوانین، مقررات و سیاست‌ها است. اطلاع‌رسانی به طرف‌های ذینفع راجع به قوانین، مقررات و تغییرات آن‌ها دومین عنصر مهم و اجرای قوانین و مقررات به یک روش واحد و بی‌طرفانه را عنصر سوم در وجود شفافیت می‌داند. (مؤسسه اقتصاد مالی بهین، ۱۳۹۴: ۱۵) در تعریفی دیگر از سازمان بین‌المللی شفافیت نیز عبارت است از اینکه، «شفافیت اصلی است که افراد بتوانند از تصمیمات اداری، معاملات تجاری و امور خیریه‌ای که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، نه فقط از اصل موضوع، تعداد موضوع‌ها، و از شیوه‌های تصمیم‌گیری آن‌ها مطلع گردند؛ بلکه وظیفه و تکلیف مستخدمان دولتی و مدیران دولتی این است که رفتار آنان قابل‌رؤیت، قابل پیش‌بینی و قابل‌درک باشد. (Christopher, ۲۰۰۶, ۲۳۳)

از نظراسنووهمکارانش چهار فرایند برای سوگیری، اتحاد یا «صف‌آرایی چارچوب»^{۱۲} توصیف می‌شود.

«پل‌زنی چارچوب»^{۱۳} بدین معنی که تفاسیر، برداشت‌ها و پیام‌های ارسالی سازمان دهندگان به هواداران آرمان‌های پویش با تفاسیر مختلف از واقعیت که بخش‌های مختلف افکار عمومی آن‌ها را تولید می‌کند، دربرگیرنده عناصر مشترک باشند و آنان همگی تصویری یکسان از واقعیت و جایگاه خود در جهان داشته باشند (کریمی، ۱۳۸۸: ۴۲). پیوند میان تعدادی چارچوب که از دیدگاه بینشی هماهنگ ولی از زاویه ساختاری بی‌ربط هستند و با مشکل خاص، به هم پیوند می‌خورند. از این منظر، جایگاه شفافیت به دو عامل بستگی دارد: استمرار

رشد تقاضا برای شفافیت و ایجاد فرهنگ شفافیت به منظور کمک به خنثی ساختن انگیزه‌هایی که برای تداوم عدم شفافیت وجود دارد. انتظار می‌رود که شفافیت، کارایی و عدالت بازارها و شرکت‌ها را افزایش داده و پاسخگویی و مشروعیت دولت‌های ملی و سازمان‌های بین دولتی را تقویت کند. فقدان شفافیت با ایجاد عدم تعارن‌های اطلاعاتی میان قانون‌گذاران و تنظیم‌گران و آن‌هایی که مشمول مقررات قرار می‌گیرند، عرصه را برای فساد گسترش می‌دهند. در مجموع شفافیت منظم و مستمر باعث کارایی اقتصادی و کاهش «تلنبار شدن» اطلاعات مخفی می‌شود که هزینه‌های تعدیل سنگینی بر دوش اقتصاد خواهد گذاشت. (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳: ۵۶۶)

«تقویت چارچوب»^{۱۴} که در آن به شفاف‌سازی، توضیح و تقویت مجدد یک برداشت، مشکل یا مجموعه‌ای از رویدادهای از پیش موجود پرداخته می‌شود (نش، ۱۳۸۲: ۱۵۵). کنشگران جمعی، درکی از مسائل را تفکیک و بازبینی می‌کنند و با رواج، استمرار و ارائه شواهد و اسناد می‌کوشند از واقعیت‌ها رازگشایی کنند و معناهای ساخته‌شده را در جهت حفظ وفاداری طرفدارانشان تثبیت و تقویت نمایند؛ بنابراین، مهم‌ترین و عقلایی‌ترین دلیل برای شفافیت آن است که مشارکت فعال شهروندان را در امور سیاسی و اجتماعی تقویت می‌کند. شفافیت، یکی از شروط اساسی برای جهت‌گیری اراده اشخاص است که این اراده، برای ایجاد جامعه مردم‌سالار نقش حیاتی دارد. این مبنای شفافیت بر نظریه‌های دموکراسی مشورتی تکیه دارد که معتقدند شفافیت باید شامل طیف وسیعی از سازوکارهایی باشد که مشارکت شهروندان در سیاست‌گذاری‌ها از طریق دسترسی مؤثر به روندها و برآیندهای سیاست‌گذاری و اظهارنظر در آنها را ممکن می‌سازد. (Verhoeven, ۲۰۰۰)

«بسط چارچوب»^{۱۵} که در آن عمل مقدم یک «جنبش به‌گونه‌ای که منافع یا دیدگاه‌های مهم برای اهداف متقدم آن را در برگیرد اما سکوت چشمگیری به مخالفان بالقوه تحمیل کند. (Snow, ۱۹۸۶، ۴۷۲) وقتی پیوند میان مطالبات بالقوه با اهداف کنش و توسعه پیام‌ها و ایده‌ها سبب هماهنگی این پیام‌ها و افکار عمومی که به وسیله آن‌ها واقعیت را تفسیر می‌کند، نگردد. با

بسط چارچوب، حمایت از پویش بیشتر گردیده و مخاطبان و شاهدان بیشتری در زمره پیروان و کنشگران آن درمی‌آیند. به‌گونه‌ای که در شفافیت، دو شرط برای کارایی مفروض است. اول شفافیت پذیری مضامین و موضوعات موردنظر و دوم توان پذیرفتاری افراد برای استفاده از این مضامین و اطلاعات. برای دستیابی به حداقل سطح زندگی و بهبود کیفیت زندگی عمومی، اطلاعات دقیق از شرایط و اوضاع محیط اجتماعی ضروری است. خط‌مشی‌های عملی که بر مبنای آگاهی دقیق از اسلوب‌های زندگی استوار نباشد چندان موفقیت‌آمیز. با شفافیت اعتماد به یکدیگر در بین افراد بیشتر شده و با اطمینان می‌توانند با ابتکارات خودجوش، شرایط زندگی بهتری را برای خود فراهم کنند.

«دگرگون‌سازی چارچوب»^{۱۶} تغییر چارچوب، بازتعریف فعالیت‌ها، رویدادها زندگی‌نامه‌هایی که در پیش از منظر برخی چارچوب‌های عمل مقدم معنادار هستند به‌گونه‌ای که مشارکت‌کنندگان اکنون آن را چیزی یکسره متفاوت می‌بینند (Snow, ۱۹۸۶, ۴۷۴). چسترز وولش، (۱۳۹۴: ۱۱۱) عمل جمعی سری جدیدی از ایده‌ها را ارائه می‌دهد که چارچوب‌های جدیدی برای مفاهیم و مشکلات قدیمی مجدداً بازتعریف می‌کند. از این دیدگاه در عمل شفافیت مفهومی تجریدی و ذهنی است. در حقیقت شفافیت به‌واسطه اجتماعی و بین‌الذهانی بودن، منوط به مفاهیمی است که در شرایط گوناگون می‌پذیرد و معنای آن باگذشت زمان متحول می‌گردد؛ البته این تغییرات به دلیل استمرار تحولات در جوامع است. باین‌حال ساخت معنا در شفافیت حتی با سازوکارهای دستکاری‌شده نیز فرایندی روبه‌تکامل را طی می‌کند. با پی‌جویی و تلاش در معنای عمیق و دقیق شفافیت، می‌توان از ناشکیبایی‌های اجتماعی اجتناب کرد و با درک هوشمندانه آن، بر مشکلات فائق آمد. بافهم سرسری و ناقص شفافیت بی‌تردید راه به‌جایی نمی‌رسد و در انبوهی از بدفهمی‌ها گرفتار خواهیم‌گردید.

درنهایت از پیش‌بینی طرح کلی برای شفافیت آنچه به دست می‌آید عبارت‌اند از: بیشینه شدن کیفیت تصمیمات، افزایش اعضای تصمیم‌گیر، کاهش فساد و سوءاستفاده از شرایط باهدف دستیابی به‌فایده شخصی یا جناحی و اطلاع قانون‌مدار مردم از فرآیندهای تصمیم‌گیری است.

شفافیت، مسئله‌ای مهم در حکومت‌های مردم‌سالار و اصلاح اراده عمومی است تا آنجا که دسترسی آزادانه به اطلاعات و روشن بودن آن را شرط اصلی مقابله با فساد و تقویت پاسخگویی مقامات دانسته‌اند. در این فضا مردم باید ببینند یا حس کنند که نظام سیاسی کاملاً از شفافیت فرآیند تصمیم‌سازی و پاسخگویی حمایت، و این معیارها را تضمین می‌کند.

۲. کنش جمعی

فرآورده‌های فکری مکتب عمل جمعی حاصل بازیابی‌های تحولات اجتماعی آمریکای شمالی در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ بود. این نحله، تلاش‌های پیگیر جهت درک پیدایی و رهنمود کنش‌های جمعی را در جایگاه کارگزاران دگرگونی اجتماعی نمایان ساخت. چشم‌اندازهای کنش جمعی در پیچیدگی رفتارها را می‌توان، نمونه اقدام‌های وابسته به کثرت شهروندان و انبوه جماعت، به‌عنوان پیامدها از دیدگاه اجتماعی مفهوم دار، به بافتار جمعی مسلط که همراه با صورت‌بندی در حال تغییر اجتماعی تجلی می‌یابد نگریست. سه تن از متفکران معتبر رویکردهای جمعی هربرت بلومر،^{۱۷} ویلیام کورنهاوزر^{۱۸} و نیل اسملسر^{۱۹} هستند. دیدگاه عمل جمعی بر دو بینش کاملاً مختلف تأکید دارد، بلومر که برکنش متقابل نمادین و دیگری، اسملسر که بر کارکردگرایی ساختاری تصریح داشتند. کورنهاوزر نیز پاره‌ای از مشخصات «عمل توده‌ای» که فطرتاً در بی‌ثباتی و تغییرپذیری و به بی‌اعتنایی توده‌ای معروف است، را در اجتماع شناسایی کرد.

بلومر در کتاب «چکیده رفتار جمعی»^{۲۰} به سال ۱۹۳۴ با نظر افکندن به پدیده‌های تجربی از جمعیت‌های خودجوش و احساساتی تا انواع پایدارتر رفتار جمعی همراه با جنبش‌های اجتماعی، واژه کنش متقابل نمادین را ابداع کرد و به این بحث پرداخت که به کنش جمعی، حتی کنش توده مردم، باید همچون کنشی هدفمند، معنادار و به‌طور بالقوه خلاقانه نگریست که قادر است هنجارها، رفتارها و مهارت‌های جدیدی به شرکت‌کنندگان و جامعه معرفی کند. (Blumer, ۱۹۵۱, ۱۹۹-۲۲۰) او رفتار جمعی را در معنایی وسیع، فعالیتی گروهی همراه با

نوعی تقسیم‌کار تلقی می‌کند که به علت فهم و انتظارات مشترک انسان‌ها در میان آن‌ها شکل می‌گیرد. انتظارات مشترک که رفتارها را هدایت می‌کند، نوعی از فعالیت گروهی را مشخص می‌سازد و تحت تأثیر آداب، عرف، سنت و نظم نمادین هستند. (مشیر زاده، ۱۳۸۱: ۷۳) کورنهایزر استدلال می‌کند که جامعه توده‌ای با جنبش‌های توده‌ای متعددی توصیف می‌شود که می‌توانند از جنبش‌های تمامیت‌خواه همچون کمونیسم متمایز شوند؛ زیرا نسبتاً به کرات در شرایط بازی شکل گرفتند که از بالا یا پایین تحمیل نشده بود. بحث محتاطانه بعدی او اینکه جنبش‌های توده‌ای را می‌توان بخشی از یک مجموعه در فرایند سیاسی مشارکت دانست. این نکته در فاصله گرفتن جنبش‌های توده‌ای از اشکال انحراف و آسیب‌شناسی اجتماعی اهمیت داشت (Kornhauser, ۱۹۵۹).

بخش دیگر مکتب رفتار جمعی، بانام کارکردگرایی ساختاری در کتاب اسملسر، تحت عنوان «نظریه رفتار جمعی» مفصل‌بندی شد. به باور او کارکردگرایان ساختاری بیشتر از واحد خرد یا اجتماعی، روان‌شناختی تحلیل، متوجه سطح ساختاری یا اجتماعی بودند؛ یعنی نه آن چیزی که افراد را وامی‌داشت تک‌تک به جنبش‌ها ملحق شوند، بلکه چه نوع تغییرات درزمینه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ملازم، منجر به ظهور یک جنبش توده‌ای می‌شد. فرض اصلی این مکتب فکری این بود که چون جوامع به تعادل گرایش دارند، کنش جمعی جنبش‌های اجتماعی را می‌توان یک سازوکار طبیعی در واکنش به محدودیت‌های ساختاری یا تغییر در جامعه دانست. (چسترز و ولش، ۱۳۹۴: ۲۳) اسملسر هم‌رأی با دیگر اعضای این مکتب میان «فوران‌های جمعی» و «جنبش‌های جمعی» تمایزی گذاشت تا طغیان‌های وحشت‌زده و خصمانه را از تلاش‌های جمعی برای اصلاح هنجارها و ارزش‌ها جدا کند. او وجود جنبش‌های «برآمده از هنجار» و «برآمده از ارزش» را پیشنهاد می‌کرد که بر مبنای باور جمعی عمل می‌کنند. تعقیب تغییرات هنجاری و ارزشی درزمینه‌ای از «ایجاب ساختاری»^{۲۱} رخ می‌داد که به‌نوعی موجب پذیرش این خواسته‌ها در سطح سیاسی می‌شد. (همان، ۷۱)

عمل جمعی با کنش‌های همانند و همسان که افراد بی‌شمار در شرایط یکسان انجام می‌دهند و یا با رفتاری که تحت نفوذ سایر افراد صورت می‌گیرد، برابر نخواهد بود. مثلاً شهروندانی را تصور کنید که هنگام شروع رگبار در خیابان می‌باشند، بنا بر ضرورت، چترهای خود را بالای سرشان باز می‌کنند. این کنش در واقع واکنشی است مشابه در برابر نیاز مشابه محافظت در برابر باران. اینجا صفت اجتماعی بر عمل در مفهوم حاضر هدایت نشده است و نمی‌تواند مورد نظر باشد. (آبراهام، ۱۳۶۳: ۳۵۲) عمل جمعی، فعالیتی داوطلبانه و غالباً تعمودی است که تعداد کثیری از مردم در آن درگیر می‌شوند و معمولاً هنجارها و ارزش‌های گروه حاکم را نقض می‌کنند. رفتار جمعی فاقد تقسیم رسمی کار، سلسله‌مراتب قدرت و قوانین و راهکارهای تثبیت شده است. رفتار جمعی می‌تواند اشکال مختلفی داشته باشد، مثل اجتماعات، دارو دسته‌ها، شورش‌ها، هراس‌های جمعی، مدها، نمایشگاه‌ها و افکار عمومی. (کندال، ۱۳۹۳: ۷۱۱) رابرت ازرا پارک،^{۲۲} بر این باور است که رفتار جمعی از هر گردهمایی انسانی نشأت می‌گیرد. که در آن هر فرد، در اثر خلق یا وضع روحی، که هر کس در آن سهمی دارد و در شکل‌یابی آن شرکت داشته است، به سوی عمل یا اندیشه‌ای رانده می‌شود. (گولد و دیگران، ۱۳۷۶: ۴۴۲) زالد معتقد است، کنش‌های جمعی همیشه در حال معنا سازی، به تصویر کشیدن بی‌عدالتی‌ها و تعریف راه‌های تغییر وضع موجودند و از این طریق درصد برمی‌آیند مقامات حکومت و نظاره‌کنندگان را به درستی اقدامات و اندیشه‌هایشان شناسایی نمایند. (Zald, ۱۹۹۶, ۲۶۹)

کنش جمعی، اجتماع مبتنی بر باهم بودن، توان حرکت و انگیزهای ژرف خود را از باورهای بنیادینی می‌گیرند که به آن‌ها اعتقاد دارند. انگیزه برای عمل، زمانی افزایش می‌یابد که سازوکارهای جامعه‌پذیری افراد تسهیل‌تر و شدیدتر گردد. برخی مواقع عمل جمعی در برابر آگاهی‌های دست‌به‌دست شده در سطح جامعه که همه‌گیر شده و در مقابل ارزش‌ها و باورهایی که منوط به شیوه‌های زندگی سنتی است قد علم کرده و تهدید می‌شوند، دفاع و حمایت می‌کنند و یا هنگامی که باور فرد در تعلق فطری با دیگر افراد همفکر که به مدت طولانی پوشیده شده بود، ترمیم گردد، خود را قسمتی از طرح و برنامه از پیش تعیین شده بی‌نواپی و یأس و ناکامی همگانی تصور می‌کند. عمل جمعی تکاپویی است برای ترمیم یک سازماندهی

اجتماعی آشفته یا نابسامان که دربرگیرنده نوعی شناسایی مجدد یک موقعیت شکل نیافته است و رفتارمرسوم، برآیند توقعات موجود می‌باشد.

۳. شفافیت، سازوکار تعادل عمل جمعی در راهبردهای رایج ایران

هانس پیترکرایسی راهبردهای رایج را این‌گونه تعریف می‌کند: «یک تفاهم کلی در بین اعمال‌کنندگان قدرت مؤثر، در مورد مجموعه‌ای از مفروضات دقیق که جهان‌بینی‌ها، اهداف و ابزار را باهم هماهنگ می‌سازند.» (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۴: ۲۸۹) راهبردهای بازیگران جمعی، تحت تأثیر روح ناپایدار و انعطاف‌پذیر زمان که تحولات درون چرخه اقتصادی را انعکاس می‌دهد، اتخاذ می‌گردند. وهم تحت تأثیر ویژگی‌های نسبتاً باثبات فرهنگ‌های سیاسی ملی. هرچه فرهنگ سیاسی مساوات‌گرایانه‌تر، لیبرال‌تر، همه‌شمول‌تر و فردگرایانه‌تر باشد، مخالفت جنبه خصمانه و مواجهه‌جویانه کمتری خواهد داشت. (Kitschelt, ۱۹۸۵, ۳۰۲-۳) ارتباط میان راهبردهای رایج و منابع عمل جمعی روشن است. در کشورهای برخوردار از راهبرد طرد^{۳۳} (یعنی سرکوب و منازعه) معمولاً دارای یک ائتلاف حکومتی با ایدئولوژی همگون و قطبی شدن منازعه با مخالفان هستند. (دلپورتا و دیانی، ۱۳۸۴: ۲۸۹) در کشورهایی که به‌طور سنتی دارای راهبرد جذب^{۳۴} (پذیرش تقاضاهای نوظهور) هستند منابع عمل، متعارف‌تر خواهند بود. (Goldstein, ۱۹۸۳, ۳۴۰) تاریخ دموکراتیک یک کشور نیز بر راهبردهای رایج‌اش تأثیر می‌گذارد. اقتدارگرایی گذشته احتمالاً در برهه‌های آشوب دوباره ظهور می‌کند. (Flam, ۱۹۹۴c, ۳۸۴)

توضیح انتخاب راهبردهای رایج در ایران به‌گونه‌ای پیچیده است چراکه این راهبردها عمرو پایداری یکسانی نداشته و از طرفی، تأثیر یکسانی بر همه کنش‌های جمعی ندارند یعنی این راهبردها بر بعضی از کنش‌های جمعی تأثیر می‌گذارند و بر بعضی دیگر نه، ولی با این حال، تدابیر شاخصی که تاکنون موجود بوده عبارت‌اند از اینکه راهبرد جذب با حمایت و پشتیبانی از طرفداران و تشویق ترغیب بقیه مردم به پیروی و اطاعت در حوزه‌های ایدئولوژیکی و اخلاقی و توزیع اعطای یارانه، ماهیت تحصیل‌داری را پیدا کرده است. (ازغندی، ۱۳۸۵: ۴۶) بنا بر نظر جان فوران در کتاب مقاومت شکننده، دولت در ایران دارای سنت‌های طولانی سرکوب، که

فاقد ساختار نسبی چانه‌زنی جمعی آزاد بوده و در مقابل مخالفان و منتقدان دارای راهبرد طرد می‌باشد. (فوران، ۱۳۸۸) ایران در سال‌های اخیر با تدابیر مختلف از جمله، دولت الکترونیک و شفافیت حساب‌های مالی و غیره، سعی در فاصله گرفتن از این مفهوم را داشته است؛ البته هنوز هم برخی زیرساخت‌های لازم جهت توسعه شفافیت در جامعه ایران را کافی نمی‌دانند و بعضاً شفاف‌سازی را واقعی نمی‌دانند. در مواجهه با شفافیت اولین واکنش آن‌ها شک و تردید است. این طیف از جامعه پذیرفتاری بسیار کمی از شفافیت دارند. برخی دیگر اگرچه شفافیت را لازم و مبرم می‌دانند؛ اما هزینه‌های آن را بالا تصور می‌کنند. در واقع از نظر آن‌ها فایده به هزینه شفافیت و شفافیت‌پذیری زیاد است؛ اما گروهی دیگر معتقدند که با به‌کارگیری شفافیت حساب‌های مالی و دولت الکترونیک به‌منظور بهره‌وری و ارتقاء سطح خدمات‌رسانی و ارائه اطلاعات که شامل ارتباط الکترونیک دولت با شهروندان و بنگاه‌ها و برعکس، دولت با سازمان‌های دولتی و کارکنان، می‌توان در مسیر شفافیت اقدام نمود. (خسروانی، ۱۳۹۷: ۱۰۶) هرچند تا رسیدن به وضعیت مطلوب شکاف بزرگی وجود دارد. مجموعه این عوامل باعث می‌گردد، گذار به شفافیت در جامعه ایران پیچیده و متأثر از عوامل تأثیرگذار متعددی باشد.

۱-۴ زمینه مساعد ساختاری^{۲۵}

زمینه مساعد ساختاری به معنای آن است که ساختار جامعه باید به‌گونه‌ای باشد، که شکل خاصی از رفتار جمعی در آن به وقوع بپیوندد. به‌عنوان مثال جامعه‌ای که اعتراض و تظاهرات در آن ممنوع است، زمینه مساعد برای چنین رفتارهای خودانگیخته‌ای را فراهم می‌سازد. (کوئن، ۱۳۸۴: ۳۲۴-۳۲۷. اسملسر، ۱۳۸۰: ۲۰-۲۶) این پدیده صرفاً طیفی از موقعیت‌ها را ایجاد می‌کند که در درون آن‌ها هراس می‌تواند رخ دهد و دیگر موقعیت‌هایی را که در درون آن‌ها این مکان وجود ندارد، از مدار خارج می‌کند. نوع فشاری که بالقوه می‌تواند باعث پدید آمدن احساسات انقلابی شود، آن قدر مختلف و متفاوت است که باعث سردرگمی می‌شود.

تنگناهای اقتصادی، مهاجرت جمعیت، شکست در جنگ، آزار و اذیت مذهبی، تفاوت‌های ارزشی میان گروه‌های مختلف جمعیت و دیگر موارد. (گودوین و جاسپر، ۱۳۹۳: ۹۳)

در موقعیت فشار و تنگنا، مسلماً افراد به هم نزدیک شده و فعالیت‌های گروهی آن‌ها بهبود می‌یابد. در این چارچوب، گستره شفافیت تلفیقی است از فهم وجود فرصت‌های قابل‌اعتماد برای عمل خودجوش و تقلیل نیروی هم‌پیمانان قدیمی موافق محرمانگی، برای هواداری از ماهیت جمعی و سروسامان دادن به عمل جمعی، بنابراین بر وجوب اصلاح ساختار نظام‌های اجتماعی بر پایه ابهام‌زدایی از هویت‌های جمعی جدید تأکید می‌شود. بدون اینکه اصلاحات ساختاری دربرگیرنده حقانیت‌زدایی تام و تمام از اعضا و شیوه‌های پایدار نظام جمعی باشد. که با یک‌سری از تدابیر، کارکردها و رویه‌هایی پیش می‌رود که به تابعان مجوز استفاده، دسترسی، فایده رسانی، ادراک، مبنای آگهی دادن و ابهام‌زدایی اطلاعات و شیوه برگزار شده آن‌ها توسط کانون‌های نفوذ (جامعه یا سازمان‌ها) را می‌دهد. سازوکار بازخورد این مسائل، از سوی تابعان، برای هدف شفافیت الزامی است.

در ساختارهای فاقد شفافیت طیف کنش‌های جمعی برای بهبود صورت می‌گیرد، ولی در جوامعی که شفافیت در آن‌ها نهادینه شده است، طیف کنش‌های جمعی بر محور توسعه شکل می‌گیرد. شفافیت جدی‌ترین هدف در انجام بازسازی ساختاری (به‌مثابه مساعدت و هم‌یاری بسیاری از تدابیر شایسته و الزامی در بازسازی درونی و فردی) است. و از طرفی سوءاستفاده و بهره‌برداری ناعادلانه از شرایط و امکاناتی که به واسطه شغل یا منصب در اختیار کسی قرار گرفته است، جهت تأمین منافع شخصی را از بین می‌برد.

کنش‌های جمعی سال‌های اخیر ایران در واقع «نه به گرانی» بود. فسادهای گسترده باعث ایجاد فاصله طبقاتی شدید در جامعه بوده و با تشدیدگرانی و تورم توأم شد و زمینه‌های مساعد ساختاری را برای تحرکات جمعی هموار نمود. افرادی از طبقه فرودست و بخشی از طبقه متوسط ضعیف‌تر شدند. معترضین خسته و ناامید از صورت‌بندی‌های رایج و غالب، مسیر این اعتراضات را در پیش گرفتند. از سوی دیگر نارضایتی‌ها به خاطر تبعیض نیز بود. به دلیل

انحصار تخصیص منابع، وضعیت معیشتی متزلزل و زوال سریع و محسوس کیفیت زندگی، فاصله طبقاتی، بیکاری، فساد مالی و شکاف درآمدی، احساس محرومیت و احساس کنار گذاشته شدن یا غبن، شفافیت ناقص و عدم پاسخگویی کامل وغیره.

۲-۴ فشارهای ساختاری^{۲۶}

اسملسر فشار ساختاری را به مثابه وجود چیزی اشتباه در محیط اجتماعی مردم، مثل بی‌عدالتی، تعبیر می‌کند که آنان را به سمت ورود در رفتار جمعی سوق می‌دهد. (اسملسر، ۱۳۸۰: ۷۲) در واقع به تنش‌ها یا در اصطلاح مارکس، تضادها اطلاق می‌شود که باعث ایجاد منافع متعارض در درون جامعه می‌گردد. این‌گونه فشارها در شکل نگرانی درباره آینده، اضطراب‌ها، ابهامات و یا برخورد مستقیم هدف‌ها ابراز می‌شوند. منابع فشار ممکن است کلی و یا ویژه موقعیت‌های معینی باشند. (گیدنز، ۱۳۸۳: ۶۸۲) هنگامی که فشاری بر جامعه تحمیل می‌شود، مردم، اغلب برای یافتن راه‌حل پذیرفتنی، به همکاری با یکدیگر ترغیب می‌شوند. برای مثال بحران اقتصادی در جامعه، افراد را دچار ناراحتی‌های روحی کرده و با یکدیگر در سرپیچی از نظم حاکم متحد می‌کند. (کوئن، ۱۳۸۴: ۳۲۴-۳۲۷. اسملسر، ۱۳۸۰: ۲۰-۲۶)

ایران در شرایط بغرنج کنونی، با فشارها و مشکلات اقتصادی، سیاسی، آشوب‌های منطقه‌ایی و غیره روبه‌رو گردیده است. مهم‌ترین فاکتوری که سرعت و هزینه‌های برون‌رفت از بحران را، تعیین می‌کند رفتار اجتماعی جامعه نسبت به دولت و مقصران بحران است. برداشت اجتماع از دلایل بروز بحران و هر آنچه رفاه، آسایش و آینده شهروندان را تیره کرده، تعیین‌کننده ساختار شکل‌گیری رفتار اجتماعی است. این برداشت، در شکل‌دهی و مهندسی طیف رفتارهای اجتماعی اهمیت پیدا می‌کند. برداشت جامعه، از برداشت‌های فردی، برداشت‌های فرد - فرد (برداشت‌های گروهی) و القانات (ذهنیت‌هایی که برای جامعه ساخته می‌شود) شکل می‌گیرد. ایران با وجود تحریم‌های شدید اقتصادی دچار بحران‌هایی درهم‌تنیده‌ای گردیده که جنگ اقتصادی از یک طرف و ضعف و ناکارآمدی دولت در مدیریت، کشور را با چالش‌های جدی

مواجهه نموده است. با در نظر گرفتن چالش‌های فراروی ملت و دولت و آسیب که از این طریق به سرمایه‌های اجتماعی وارد شده است، می‌توان انتظار داشت شرایط و زمینه‌های مساعد ساختاری برای وقوع کنش‌های اجتماعی از نارضایتی مدنی، شورش تا کنش‌های دسته‌جمعی از جهات مختلف فراهم گردد. تحریم‌های اقتصادی امنیت و رفاه اجتماعی مردم را تحت تأثیر قرار داده و بنیه ضعیف ساختار اقتصادی ایران سبب گردیده است که تأثیر تحریم‌ها بر زندگی، معیشت و رفاه عمومی مردم بسیار عمیق باشد. در واقع طراحان جنگ اقتصادی به دنبال ایجاد فشارهای ساختاری مضاعف در جامعه هستند تا گرانی و تورم به چنان مسئله حادی تبدیل شود که از آستانه تحمل مردم خارج شود. در این مرحله در کشور با شناسایی و شناخت مشکلات و معضله‌های پیشرو می‌توان با استفاده از ابزار شفافیت تا حدودی این فشارهای ساختاری را کاهش داد که دست کم از آستانه تحمل جامعه خارج نگردد.

چارچوب‌های شفافیت بر این قضیه یا مشکل اشارت دارد که معضل مهم در اغلب کنش‌های جمعی، شناخت کشمکش و تغییر مفاهیمی است که کنشگران به رخدادها، فشارها، آزمون‌ها و برداشت‌ها منتسب می‌کنند و در تلاش هستند که دیدگاه فرد را در مورد خود و دیگران شکل داده و یا اصلاح کنند. بنابراین، شفافیت در حاشیه تمییز بازنمایی‌های غالب سازمان‌دهی و مدل‌های اجتماعی، باید تعاریف نوین، از پایه‌های اتفاق جمعی، عرضه نماید تا هویت کنشگر در خصوص دیگر کنشگران را شناسانده و باعث انگیزش و ترغیب عمل جمعی شوند. چارچوب‌های مورد نظر از یک تحول متناسب در گروه‌های مدنی پشتیبانی می‌کنند. در این تفسیر غالب، از طریق آگاهی و شناخت با پشت‌گرمی و اطمینان به نیروهای جمعی برای پذیرفتاری فضای مناسب عمل جمعی، با تقلیل پیوند مردم به شکاف‌های بینشی قدیمی، تلفیق می‌یابد. شفافیت هر دو ویژگی اصلی یک نظام دگراندیش را مدنظر قرار می‌دهد؛ یعنی از یک‌جهت به شناسایی شکاف‌ها و آگاهی از هویت‌های غالب جمعی و از جهتی دیگر شناخت و معرفی توانایی نظام برای ترغیب منافع و سازش میان سمت و سوگیری‌های ناهمسان و اکثراً ناسازگار درون جریانات مختلف می‌پردازد.

۳-۴ رشد و گسترش باورهای تعمیم یافته^{۲۷}

به اعتقاد اسملسردر همه رفتارهای جمعی، نوعی باور جمعی وجود دارد که شرکت‌کنندگان را برای کنش آماده می‌کند. این باورها، نشانگر تلاش افراد تحت فشار برای ارزیابی موقعیت خودشان است. آن‌ها این موقعیت را با آفرینش یک باور جمعی و عمومی توضیح می‌دهند. (اسملسر، ۱۳۸۰: ۴۶۱) قبل از اینکه راه‌حلی دسته‌جمعی برای یک مسئله یافت شود، باید همه بپذیرند که چنین مسئله‌ای وجود دارد؛ بنابراین مسئله باید شناخته شود، افکار عمومی به آن توجه کند و راه‌حل‌های ممکن برای آن ارائه شود. (کوئن، ۱۳۸۴: ۳۲۴-۳۲۷) باورهای تعمیم‌یافته شامل همه مؤلفه‌های کنش است؛ یعنی باز شکل‌دهی به ارزش‌ها، بازتعریف هنجارها، باز سازماندهی انگیزه‌های افراد و بازتعریف تسهیلات. (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۹۷) این می‌تواند به شکل ایدئولوژی‌های مشخص یا ایده‌های محدود باشد. باور تعمیم‌یافته منشأ فشار را مشخص، خصوصیات خاصی را برای آن تعیین می‌کند. این باورها می‌توانند جنبه جنون‌آمیز یا روانی، آرزو پرور و خیال‌پردازانه، خصمانه، معطوف به هنجار یا معطوف به ارزش داشته باشند. رشد و گسترش این باورهای تعمیم‌یافته یکی از شروط لازم برای رخ دادن یک رفتار جمعی خاص است. این باورها در شرایط ابهام ناشی از فشارهای ساختاری، عدم قطعیت، ناشناخته بودن شرایط و اضطراب ناشی از آن، به وضعیت معنا می‌دهند. کانون توجه باورها در باورهای خصمانه، بسیج، درباورهای معطوف به ارزش، ارزش‌ها و در باورهای معطوف به هنجار، هنجارها هستند. (مشیرزاده، ۱۳۸۱: ۹۰)

تنها در صورتی می‌توان بر پیامدها و هزینه‌های غیرقابل‌انتظار عمل جمعی چیره گشت که فرد از طریق آگاهی و شناخت در خصوص امکان سازمان‌دهی، عملی بودن و مشروعیت عمل، مطمئن شود. اراده عمل جمعی به اصول اساسی پایدار و ارزیابی دقیقی از امکانات و بازدارنده‌های عمل، منوط است. ارزش‌ها از طریق اهداف معلوم و آشکار، تفکیک و عرضه می‌گردند و با راهکارهای رفتار مناسب پیوستگی دارند. شفافیت یکی از شرط‌های اصلی جهت‌گیری اراده اشخاص است که این اراده، برای شکل‌گیری کنش جمعی اهمیت دارد. با

این رویکرد شفافیت باید شامل مجموعه گسترده‌ای از سازوکارهایی باشد که مشارکت کنشگران را امکان‌پذیر کند. به‌عنوان مثال اعتماد عمومی یکی از ارزش‌های مهم و ابزاری در نظام سیاسی و اجتماعی معاصر است. اعتماد اجتماعی در مشارکت و کنش جمعی، امور آنها را به نحو مطلوب اداره کرده، زمینه را برای پیشبرد برنامه‌های عمومی فراهم می‌کند. در یک جامعه خوب، پنهان‌کاری امری استثنایی و خلاف قاعده است. رازواری، تأثیر شهروندان بر عملکرد گروهی را کم کرده و بین قدرت و منشأ آن یعنی مردم، فاصله ایجاد می‌کند. بنابراین افراد از طریق شفافیت می‌توانند باورهای خود را در خصوص یک مسئله، راهکارهای حل آن، در راستای بهبود نابسامانی‌ها، به یکدیگر تعمیم دهند و از این طریق، اعتقاد به کنش توسعه می‌یابد و شرایط برای مشارکت مدنی کنشگران فراهم می‌گردد. اکنون در ایران، فشارهای سیاسی در صحنه بین‌الملل و تحرکات شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های خبری این باور را رواج می‌دهد که این گرانی‌ها و شرایط خراب اقتصادی در کشور، حاصل طرح و برنامه‌های نادرست، فساد و ناکارآمدی‌های دولت است. چنانچه با درخواست‌های رسمی نتوان جلوی پیشروی تورم را گرفت، به‌ناچار توافقی جمعی به دست آید که می‌تواند عملکرد جدی‌تر یا حتی خشونت‌آمیزی باشد که، دولت را وادار به اتخاذ یک تصمیم مناسب و بجا در مقابله با شرایط کنونی نماید.

۴-۴ عوامل شتاب‌دهنده^{۲۸}

برای ظهور رفتار جمعی، باید نخست رویداد مهمی، افراد را به واکنش جمعی وادارد. این رویداد خاص اغلب با شایعه مبالغه‌آمیز می‌شود و در نتیجه، به‌صورت چشم‌گیرتری جلوه می‌کند. (کوئن، ۱۳۸۴: ۳۲۴-۳۲۷) عوامل تسریع‌کننده، محتوای انضمامی وفوری‌ای را در اختیار عقاید تعمیم‌یافته قرار می‌دهند و بدین طریق زمینه‌ای انضمامی را فراهم می‌آورند که کنش جمعی می‌تواند بدان سو هدایت شود. (اسملسر، ۱۳۸۰: ۲۳-۲۶)

عوامل شتاب‌دهنده از جنس فرایندهای اتفاقی است. برای اینکه یک عامل شتاب‌دهنده در زمان مناسب، اتفاق افتاده و در بازه زمانی مناسبی دوام داشته باشد، و بتواند حداکثر تأثیرگذاری را داشته باشد، باید دارای یک طول عمر مناسب باشد. طول عمر مدت‌زمانی است که یک شتاب‌دهنده با ذهن کنشگران، ارتباط برقرار نموده، باورهای القائی را در ذهن آن‌ها، برای گذر از کنترل‌های اجتماعی و انجام کنش شکل دهد. شتاب‌دهنده در طول عمر خود باید تردید درکنشگران را به تصمیم برای کنش تبدیل کند. اگر یک شتاب‌دهنده در زمان مناسبی شکل نگیرد و یا دوام آن کم باشد، نه تنها کنش شکل نمی‌گیرد، حتی می‌تواند شکاف تردید/تصمیم را درکنشگران افزایش دهد. اگر در کنترل‌های اجتماعی ابزارهای شفافیت‌زا شکل گرفته باشند، از طرفی شفافیت قدرت شایعه‌های مبالغه‌آمیز را کاهش داده و از طرف دیگر، احتمال وقوع یک شتاب‌دهنده در زمان و بادوام مناسب کاهش می‌یابد. از آنجایی که اکثر کنش‌های اجتماعی نیازمند شتاب‌دهنده هستند، در نتیجه کنش در زمان متوقف می‌شود.

در جنگ اقتصادی کنونی در ایران، فشارهای سیاسی سبب بروز بحران سنگین در ساختار اقتصادی کشور شده است. که با سایه احتمال بروز درگیری نظامی و بی‌ثباتی احتمالی، موجب بروز چالش‌هایی برای مردم گردیده، و مهم‌ترین آن نگرانی از آینده است. زمانی که باور عمومی در عمل جمعی به این نتیجه برسد که مسئولان و مدیران کشور در جهان بسته و ممتاز خود زندگی می‌کنند، به نیازهای مردم بی‌توجه‌اند، چنین وضعیتی فقط تا زمانی می‌تواند دوام بیاورد که کاملاً مقتدر و برخوردار از منابع قدرت موردنیاز باشد، ولی هیچ سازوکار قانونی برای ترمیم کوچک‌ترین اشکالات احتمالی در نظر نیست. با بروز مشکلات و حضور نیروهای اجتماعی بحران‌پدیدار خواهد شد.

به عقیده اسملسر این چهار دسته عوامل بر روی هم ممکن است گاهی به آشوب‌های خیابانی یا درگیری‌های خشن منجر شوند؛ اما این‌گونه رویدادها به ظهور جنبش‌های اجتماعی نمی‌انجامد، مگر اینکه یک گروه هماهنگ که برای عمل بسیج شده است، وجود داشته باشد.

(گیدنز، ۱۳۸۳: ۶۸۲)

۵-۴ بسیج یک گروه هماهنگ^{۲۹}

پس از وقوع یک یا چند رویداد تحریک‌آمیز به‌عنوان چاشنی انفجار، باید یک گروه هماهنگ شده برای کنش جمعی بسیج شود و به سازمان‌دهی خود بپردازد. در مرحله بسیج‌سازی، فعالیت‌هایی به‌صورت اجتماعات، پخش اعلامیه‌ها، تشکیل اتحادیه‌ها و پیمان‌ها با سازمان‌های هم‌دل و فعالیت‌های مشابه در جهت کنش جمعی صورت می‌گیرد. Macoinis & Plummer (۱۹۹۸، ۴۵۶)، هنگامی که رویداد شتاب‌دهنده رخ داد، گروه برای اقدام، بسیج می‌شود. این نوع سازمان که اعضای آن با شتاب گردآمده‌اند، بسیار بی ساختار است و بافت منسجمی ندارد. (کوئن، ۱۳۸۴: ۳۲۴-۳۲۷) بنابراین، بسیج‌سازی و رفتار رهبران بسیار مهم است. (اسملسر، ۱۳۸۰: ۲۰-۲۶) آنتونی اویرشال معتقد است؛ بسیج فرایندی است که به‌وسیله آن گروه‌ها منابع را برای تعقیب اهدافشان مدیریت می‌کنند. افرادی که با مسئله تصمیمات مربوط به مدیریت منابع خودشان روبرو هستند صرفاً هنگامی درکنش جمعی مشارکت می‌کنند که چنین شیوه‌ای را برای تعقیب منافعشان برگزینند. (Oberschall, ۱۹۷۳, ۲۸)

فرایند بسیج هواداران در ایران همیشه دارای سه مؤلفه مهم بوده است. رهبری گروه، مجاری ارتباطی و پشتیبانی‌های مادی. در حال حاضر شبکه‌های اجتماعی فعالیت‌های گسترده‌ای دارند، عنصر مجاری ارتباطی رشد قابل‌ملاحظه‌ای در بسیج و هماهنگی جمعی داشته است. تحولات و حوادث سال‌های اخیر، قدرت شبکه‌های اجتماعی را برای کمک به گسترش مخالفان سیاسی، شکل دادن به گفتمان سیاسی، کنش جمعی و تسهیل اقدامات علیه دولت به تصویر کشید. (Tavernise, ۲۰۱۰, ۴) در این میان رسانه‌های جدید نقش مهمی در بسیج اجتماعی و کنش‌های جمعی اخیر داشته‌اند. (Moghanizadeh, ۲۰۱۳, ۹)

شکل بسیج شرکت‌کنندگان و زمان آن تحت تأثیر فرصت‌های سیاسی و اجتماعی است. هرچه مشارکت توسعه یابد، فرصت‌های بهتری برای خودش خلق می‌کند. مشارکت درکنش جمعی زمانی رخ می‌دهد که فرد خود را صاحب نفعی بداند. این نفع از طریق هماهنگی با دیگران بیشینه می‌شود. لازمه بهبود و ارتقاء شاخص‌های هماهنگی، ایجاد فضای شفافیت در عملکرد

است. بدیهی است التزام عملی گروه‌های اجتماعی به شفافیت، فضای شفاف را به وجود خواهد آورد که تنش‌ها، در گروه‌های اجتماعی، برای دستیابی به هماهنگی لازم درکنش جمعی را، کمینه می‌کند و به این طریق منافع و مشروعیت بیشینه می‌شود. و امکان بسیج همه‌جانبه افراد به اوج می‌رسد. لازمه شفافیت درکنش جمعی، تدوین، تصویب و اجرای شیوه‌هایی برای تفکیک و گزینش، نسبت‌دهی، علامت‌گذاری، تمایز گذاری است. در واقع این شیوه‌ها می‌توانند استانداردهایی باشند که تشکیل مثلث سرعت، دقت و صحت، در دستیابی به درک مشترک را میسر نمایند. برای ایجاد فضای شفافیت، چارچوبی متکی بر فضای هم‌فکری، هم‌فهمی و هم‌سخنی ضرورت دارد. از آنجایی که انگیزه فرد برای کنش جمعی در ظرف اجتماع ساخته می‌شود، چارچوب‌های تفسیر شفافیت، در حقیقت، تلاش آگاهانه‌ای است که سبب برانگیزش آگاهی درعمل جمعی از طریق ایجاد درک مشترکی از جامعه می‌گردد، چنین درکی می‌تواند افراد را به کنش جمعی هدایت کند.

۶-۴ عملکرد کنترل اجتماعی^{۳۰}

کنترل‌های اجتماعی، آن عواملی هستند که در انباشت عوامل تعیین‌کننده پیشین وقفه ایجاد می‌نمایند؛ باعث تغییر مسیر آن می‌شوند و یا بر سر راه آن مانع‌تراشی می‌کنند. (اسملسر، ۱۳۸۰: ۲۴) حاکمیت ممکن است با مداخله و تعدیل زمینه ساختاری و فشار که انگیزه ظهور جنبش را ایجاد کرده است به جنبش پاسخ دهد و یا با کنترل اجتماعی از طریق واکنش پلیس یا نیروهای مسلح صورت گیرد. (گیدنز، ۱۳۸۳: ۶۸۲) اگر مقامات همچنان به درهم کوبیدن مخالفت‌ها، بی‌توجهی به خواسته‌ها و سرکوب نمودهای احساس انقلابی ادامه دهند، جنبش به تدریج شکل افراطی به خود می‌گیرد. لیکن اگر عاملین کنترل ناگهان کارایی خود را از دست بدهند، جنبش سمت و سویی آشکارا انقلابی به خود می‌گیرد. عدم کارایی مقامات ممکن است اشکال گوناگونی به خود بگیرد. اختلاف میان خود و طبقات حاکم، تضعیف به‌واسطه شکست

نظامی یا برقراری پیوند دوستانه میان نیروهای نظامی حاکمین و مردم و یا فرار آنان (گودوین و جاسپر، ۱۳۹۳: ۹۴).

موفقیت تلاش‌های جمعی افراد، عمدتاً تابع سازوکارهای کنترل اجتماعی است. که به دو نوع گسترده تقسیم می‌گردد: نخست؛ کنترل‌های اجتماعی که شرایط مساعد ساختاری و فشار را به حداقل می‌رسانند؛ این کنترل‌ها از وقوع یک مورد رفتار جمعی جلوگیری می‌کنند، زیرا به عوامل نامعین حمله می‌برند. سازوکارهای کارآمد شفافیت، می‌تواند ضعف تصمیم‌گیری‌ها و خطاهای تصمیمات را پیش از آنکه منجر به ورود خسارات عظیم شوند، آشکار کرده و به اصلاح آن‌ها منجر شود. دغدغه اینکه مشروح اقدامات به اطلاع عمومی خواهد رسید، سبب می‌شود تا تحلیل‌ها و تصمیم‌ها مصمم‌تر اتخاذ شوند، حتی پیش از اتخاذ تصمیم، در مورد آثار و نتایج آن، به حد کفایت تأمل و دقت صورت پذیرد. در فضای شفافیت اطمینان خاطر برای حل مسائل و مشکلات به وجود آمده و اعتماد لازم از این جهت که تصمیمات در یک فرآیند و نه به صورت آنی، اتخاذ می‌شوند، شکل می‌گیرد. آن دسته از مهارجمعی که نیروهای ساختاری را کاهش داده و از رفتار جمعی جلوگیری می‌کنند. آن‌ها نه تنها می‌بایستی بتوانند فشار را کاهش دهند، بلکه باید بتوانند احساس فشار در جامعه را نیز کنترل کنند. این احساس فشار است که در جامعه دست‌به‌دست می‌شود و شرایط را برای رشد باورهای تعمیم‌یافته فراهم می‌کند. نقصان و یا فقدان شفافیت منشأ نقصان و یا فقدان اعتماد است و می‌تواند عامل اصلی تشدید احساس فشار در جامعه باشد. در فضای غیر شفاف، ماندگاری احساس فشار بیشتر است. و هزینه‌های کاهش فشار، احساس فشار در راستای مهار جمعی افزایش می‌یابد.

دوم، کنترل‌های اجتماعی، که صرفاً پس‌از آنکه یک مورد جمعی آغاز به شکل‌گیری و تحقق نماید، بسیج می‌شوند. دسته اخیر تعیین می‌کنند که یک مورد جمعی، با چه سرعت، تا چه اندازه و در چه جهاتی بروز خواهد نمود. (اسملسر، ۱۳۸۰: ۲۴) این دسته از کنترل‌ها، برای مهار و هدایت کنش‌های جمعی با مسیرهایی رؤیت پذیر و قابل پیش‌بینی هستند. هدف آن‌ها مهار وسعت، کنترل باور و هدایت عمل به مسیرهای ترجیحی است. در این شرایط شفافیت

به ابزار توانمندی برای ایجاد تردید/ تشکیک در باورها، کاهش فشار، احساس فشار، حذف شتاب‌دهنده‌ها و کاهش قدرت بسیج کنش‌سازها تبدیل می‌شود. عوامل کنترل‌گر در ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان فعال هستند. همچنین همواره شاهد انواع گوناگون اعمال کنترل‌ها بر عمل‌جمعی از جانب دولت هستیم که به تناسب و اقتضای مراحل مختلف کنش، از سرسختی و مصالحه‌ناپذیری تا تعدیل محدود و ظاهری زمینه‌های ساختاری و نهایتاً سرکوب ملایم و شدید در نوسان است. این اقدام در کوتاه‌مدت نتیجه‌بخش است لیکن در درازمدت می‌تواند بحران‌هایی را با قدرت بیشتری به صحنه اجتماع بکشاند. (شفیعی، ۱۳۸۲: ۶۵۷) در مجموع به نظر اسلمسر، ما می‌توانیم هریک از مراحل متوالی را به‌عنوان «ارزش افزون شونده»^{۳۱} به نتیجه کلی درک کنیم، و در واقع هر مرحله شرط وقوع مراحل بعد است. (گیدنز، ۱۳۸۳: ۶۸۳)

نتیجه‌گیری

راهبردهای رایج ایران متأثر از ذات متغیر و منعطف زمان و خصوصیات کم‌وبیش ثابت فرهنگ سیاسی صورت‌بندی گردیده است. بدیهی است که هر چه فرهنگ سیاسی، سمت و سویی برابری‌خواهانه‌تر داشته باشد، انتقادات و اعتراضات از مجرای جامعه مدنی، جنبه عقلانی‌تری داشته و عکس‌العمل دولت‌ها نیز جنبه مواجهه‌جویانه کمتری خواهد داشت؛ البته دموکراسی‌های نوپا، جوان و در حال رشد معمولاً از اعتراضات سیاسی نگرانی دارند و در مقابل نارضایتی‌های مدنی راهبرد یکسانی ندارند. یکی از شعارهای محوری انقلاب ایران تحقق عدالت اجتماعی بود که عملاً تلاش‌های صورت گرفته تاکنون نتوانسته پاسخ مناسبی برای آن باشد. در راستای این هدف، جامعه فاقد تعادل کارکردی در ساختارهای سیاسی و به‌ویژه اقتصادی بوده است. دولت‌های ایران در برابرکنش‌های جمعی و اعتراضات مدنی از راهبردهای رایج و همیشگی خود بهره می‌بردند. یعنی پیوسته واکنش دولت‌های ایران در برابر رویدادها، آمیزه‌ای از سرکوب و امتیازدهی بود.

رسیدن به ایده آل شفافیت در ایران مسیر پرپیچ‌وخمی را طی می‌کند که تا رسیدن به وضعیت مطلوب و حتی وضعیت مناسب، شکاف نسبتاً عمیقی وجود دارد؛ لذا پیشنهاد می‌گردد با توجه

به نظریه رفتار جمعی اسملسر، ایران با بهره‌گیری از تجارب بشری در زمینه شفافیت، در واقع در همان سه مرحله اولیه نارضایتی‌ها و کنش جمعی، یعنی، زمینه مساعد ساختاری یا فشارهای ساختاری و گسترش باورهای تعمیم‌یافته، هدایت، کنترل و مهار لازم را داشته باشد. و باتدبیر راهبرد جذب و ابزار کارآمد شفافیت جلوی وقوع رخدادها را بگیرد. چون هر مرحله شرط وقوع مراحل بعد است. درغیراین صورت ممکن است در مراحل نهایی یعنی پیدایش عوامل شتاب‌دهنده و بسیج هماهنگ گروه‌ها، چاره‌ای جز راهبرد طرد و کنترل و مهار اجتماعی از طریق سرکوب و ابزار پلیس نخواهد داشت.

یادداشت‌ها

۱. Oriental despotismu
۲. Patrimonial state
۳. Absolute rule
۴. the Rentier state
۵. Transparency
۶. The right to know
۷. Frame analysis
۸. Diagnostic attributions
۹. Prognostic attribution
۱۰. Packages
۱۱. encodes
۱۲. frame alignment
۱۳. frame bridging
۱۴. frame amplification
۱۵. frame extension
۱۶. frame transformation
۱۷. Herbert Blumer- ۱۹۴۶
۱۸. William Kornhauser- ۱۹۵۹
۱۹. Neil Smelser- ۱۹۶۲
۲۰. Outline of collective behavior

structural ^{۲۱}. مفهوم ایجاب ساختاری با اصطلاح ساختار فرصت سیاسی برابری می‌کند.

conduciveness

- ۲۲. Robert Ezra Park: ۱۸۶۴-۱۹۴۴
- ۲۳. Exclusion strategy
- ۲۴. Inclusion strategy
- ۲۵. Structural conduciveness\
- ۲۶. Structural strain\
- ۲۷. Generalized beliefs\
- ۲۸. Precipitating factors
- ۲۹. Co-ordinated group
- ۳۰. Operation of social control
- ۳۱. adding value

کتاب‌نامه

۱. آبراهام، جی.اچ (۱۳۶۳)، مبانی و رشد جامعه‌شناسی، حسن پویا، جلد اول، تهران، آشنا.
۲. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵)، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، چاپ اول، تهران، قومس.
۳. استونز، راب (۱۳۷۹)، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی، مهرداد میردامادی، چاپ اول، تهران، مرکز.
۴. اسملسر، نیل (۱۳۸۰)، تئوری رفتار جمعی، رضادژاکام، چاپ اول، تهران، یافته‌های نوین (دواوین).
۵. چسترز، گریم و ولش، یان (۱۳۹۴)، جنبش‌های اجتماعی: مفاهیم کلیدی، ترجمه نرگس حسن‌لی، چاپ اول، تهران، امیرکبیر.
۶. خسروانی، عباس (۱۳۹۷)، «پیشگیری از فساد سازمانی با تأکید بر دولت الکترونیک»، فصلنامه رهیافت پیشگیری، دوره اول، شماره اول.
۷. دلاپورتا، دوناتا و دیانی، ماریو (۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی، محمدتقی دلفروز، چاپ اول، تهران، کویر.
۸. سید امامی، کاووس (۱۳۹۱)، پژوهش در علوم سیاسی (رویکردهای اثبات‌گرا، تفسیری و انتقادی)، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۹. شفیعی، جمال (۱۳۸۲)، جنبش‌های اجتماعی در ایران؛ زمینه‌ها و چالش‌ها، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره سوم، شماره مسلسل ۲۱.
۱۰. عمید، حسن (۱۲۸۳)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر.
۱۱. فوران، جان (۱۳۸۸)، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب، احمد تدین، چاپ نهم، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
۱۲. قیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۸ق)، المصباح المنیر، جلد ۱، لبنان، المكتبة العصرية.

۱۳. کریمی، علی (۱۳۸۸)، «درآمدی نظری بر کاربرد و نقد نظریه چهارچوب سازی در تحلیل پویای قوم»، فصلنامه مطالعات ملی، ۴۰، سال دهم، شماره ۴.
۱۴. کندال، دیانا (۱۳۹۳)، جامعه‌شناسی معاصر، فریده همتی، تهران، جامعه‌شناسان.
۱۵. کوئن، بروس (۱۳۸۴)، مبانی جامعه‌شناسی، غلام‌عباس توسلی و رضا فاضل، چاپ شانزدهم، تهران، سمت.
۱۶. گروه مطالعات اقتصادی مؤسسه پژوهشی اقتصاد مالی بهین (۱۳۹۴) شفافیت و اقتصاد، تهران، نور علم.
۱۷. گودوین، جف و جاسپر، جیمز (۱۳۹۳)، جنبش‌های اجتماعی (مفاهیم حیاتی در جامعه‌شناسی)، سعید حاجی ناصری و فریدالدین حسینی‌مرام، جلد اول، تهران، میزان.
۱۸. گولد، جولوس و کولب، ویلیام ل (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، مصطفی ازکیا و دیگران، چاپ اول تهران، مازیار.
۱۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی، منوچهر صبوری، چاپ یازدهم، تهران، نی.
۲۰. لیتل، دانیل (۱۳۷۳)، تبیین در علوم اجتماعی (درآمدی بر فلسفه علم الاجتماع)، عبدالکریم سروش، تهران، موسسه فرهنگی صراط.
۲۱. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱)، درآمدی نظری بر جنبش‌های اجتماعی، تهران، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۲۲. معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی معین، تهران، سرایش.
۲۳. میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳)، حکمرانی خوب بنیان توسعه، تهران، دفتر بررسی اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۴. نش، کیت (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی سیاسی معاصر (جهانی‌شدن، سیاست و قدرت)، محمدتقی دلفروز، تهران، کویر.
۲۵. Blumer, Herbert. (۱۹۵۱) Social Movements. In A. McClung Lee (ed.), Principles of Sociology, New York: Barnes & Nobles, ۱۹۹-۲۲۰.
۲۶. Christopher, H; Transparency, D. (۲۰۰۶) The Key to Better Governance Oxford: Oxford University Press
۲۷. Flam, Helena (۱۹۹۴c) Political Responses to the Anti-Nuclear Challenge: II. Democratic Experiences and the Use of Force. In H. Flam (ed.), States and Antinuclear Movements, Edinburgh: Edinburgh University Press, ۳۲۹-۵۴.
۲۸. Goffman, Erving, (۱۹۷۴) Frame Analysis, Cambridge: MA, Harvard University Press

۲۹. Goldstein, Robert J. (۱۹۸۳) Political Repression in ۱۹th Century Europe. London: Groom Helm

۳۰. Kitschelt, Herbert (۱۹۸۵) New Social Movements in West Germany and the United States. Political Power and Social Theory, ۵, ۲۷۳-۳۴۲

۳۱. Karl- Heinz Brodbeck, (۲۰۰۴) TRANSPARENZ ALS ETHISCHER WERT, Paper for the Second finance & Ethics Congress

۳۲. Kornhauser, A. (۱۹۵۹) The Politics of Mass Society. Glencoe: Free Press

۳۳. Lindstedt, Catharina. And Naurin, Daniel (۲۰۰۷) "Transparency against Corruption. A Cross-Country Analysis" manuscript, Goteborg University. P۶ Available.

۳۴. Macoinis, Peter & Ken, Plummer (۱۹۹۸) Sociology: A Global Introduction, New Jersey: Prentice Hall Europe.

۳۵. Moghanizadeh, Somayeh (۲۰۱۳) The role of Social media in Irans Green Movement, Master of Communication Thesis, Department of Applied Information Technology, University Of Gothenburg.

۳۶. Neuman, Lawrence. (۲۰۰۰) Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approach. Boston: Allyn and Bacon. P۷۲

۳۷. Oberschall, A. (۱۹۷۳) Social Conflict and Social Movements. Prentice-Hall: Englewood Cliffs, New Jersey.

۳۸. Richard, Oliver. (۲۰۰۴) What Is Transparency, United States: McGraw- Hill Copanies. www.Qog.Po۱.gu.se/research/reports/Lindstedt-Naurin.Pdf

۳۹. Schram, Frederick, (۲۰۱۱) "Transparency In Three Dimensions", University

۴۰. Snow, David et.al. (۱۹۸۶) "Frame Alignment Processes, Micro-mobilization, and Movement Participation", American Sociological Review, No. ۵۱, PP ۴۶۴-۸۱.

۴۱. Tavernise, s (۲۰۱۰) Pakistan widens online Ban to include you Tube, New York Times, May ۲۰, www.nytimes.com.

۴۲. Verhoeven, A. (۲۰۰۰) The Right to Information: A Fundamental Right?? Lecture at EIPA, Maastricht, from <http://www.eipa.n۱/publications/summaries/۱۹۹۷-۲۰۰۰/Working Papers/conference proceedings/Amary۱۱is.Pdf>

۴۳. Zald, M.N (۱۹۹۶) "Culture, Ideology and Strategic Framing", In: Mac Adam, D., J.D. McCarthy & M.N. Zald (eds) Comparative Perspectives on Social Movements, PP ۲۶۱-۲۷۴, Cambridge: Cambridge University Press